

عنوان مقاله:

شرایط حاکم در آیین دادرسی بر اعتراض به اجرای احکم مدنی

محل انتشار:

پانزدهمین کنفرانس بین المللی حقوق و علوم قضایی (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 16

نویسنده:

زهرا ملکی - دانشجوی کارشناسی ارشد، حقوق، خصوصی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

خلاصه مقاله:

اعتراض ثالث، مفهوم حقوقی عامی است که در قوانین مختلف و با شیوه های اجرایی غیر مشابه به آن اشاراتی شده است. هنگامیکه شخص، در جریان یک دادرسی عادی یا فوری، حضور ندارد و به عنوان طرف دعوی نیز به دادرسی دعوت نمی شود، لیکن رای یا تصمیم قضایی ماخوذه در پرونده، به نحوی به حقوق وی خلل وارد می کند، قانون گذار به حق، راهکاری تحت عنوان "اعتراض ثالث" را پیش بینی نموده است تا به ادعای ثالث در این خصوص رسیدگی شود. حال اگر اقدامات علیه اموال شخص ثالث، در مرحله اجرای حکم یا قرار تامین خواسته و یا دستور موقت فوری دادگاه، رخ دهد، با "اعتراض ثالث اجرایی" مواجه هستیم که علیرغم شباهتهایی که با اعتراض ثالث مندرج در قانون آیین دادرسی مدنی دارد، مفهومی کاملا متفاوت بوده و راهکار عملی خاص خود را می طلبد که به دلیل وجود همین شباهتها، بعضا افراد در تشخیص این دو مفهوم حقوقی و انتخاب آن به عنوان راه حل صحیح اعاده حق، دچار اشتباه می شوند. در خصوص اعتراض موضوع ماده ۱۴۷ قانون اجرای احکام مدنی نیز، متاسفانه دادگاهها معمولا به شرایط شکلی مندرج در این ماده در رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی و پرداخت هزینه دادرسی صورت می گیرد، اما در عمل، دفاتر دادگاهها با تعیین وقت رسیدگی بر اساس تقویم معمولی شعبه، بعضا رسیدگی به این اعتراضات، که ماهیتا باید با سرعت و فوریت صورت پذیرد، را چندین ماه به تعویق می اندازند که در این خصوص لازم است قضات محترم دادگاه، با تشخیص موضوع و تذکر آن به منشی شعب، موجبات رسیدگی بدون تشریفات به اعتراضات موضوع این ماده را فراهم نمایند. با توجه به مطالب گفته شده می توان گفت که مسئله اصلی در پژوهش حاضر مطالعه اعتراض به اجرای حکم در آیین دادرسی مدنی میباشد

کلمات کلیدی:

اعتراض، اجرای حکم، آیین دادرسی مدنی، دادگاه.

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1769079>

